

مقدمه

ترتیب نزول سوره‌ها و آیات قرآنی از دیر زمان یکی از مسائل چالشی و جدی جامعه قرآنی بوده و انبوه پژوهش‌ها و نگارش‌های دوره‌ای و اختصاصی از آغاز تا کنون، اهمیت آن را نشان می‌دهد. در بسیاری از این آثار، فواید کشف ترتیب نزول و یا شناخت مکی و مدنی سوره‌ها در عرصه‌های مختلف علوم اسلامی به صورت مفصل به چشم می‌خورد. لیکن دغدغه آن‌ها تنها کشف ترتیب دقیق و قابل اعتماد از نزول سوره‌ها نبوده است، چرا که آن‌ها تنها به گزارش جدول‌هایی که به آن‌ها دست یافته‌اند، بسنده نکرده‌اند، بلکه اکثر قرآن‌پژوهان در طول تاریخ علاوه بر آن توجه ویژه‌ای به سیاق آیات در کنار بررسی متون و اسناد روایات مبذول داشته‌اند. از این رو ما برای دست‌یابی به زمان نزول سوره و آیات سال اول هجری، به مطالعه تطبیقی احادیث و روایاتی پرداخته‌ایم که مکی و مدنی بودن را در شماری از سوره‌ها مشخص کرده و با روایات و جدول‌هایی که صحابه و تابعین درباره ترتیب نزول سوره‌ها تصویر کرده‌اند، نظریه نزول نخستین سوره مدنی را بررسی کرده‌ایم.

مفهوم شناسی واژگان

۱. مکی

این واژه از ریشه «م ک ک» گرفته شده که برخی آن را به معنای «مکیدن آب» دانسته‌اند و گروهی دیگر آن را به معنای «هلاکت» گرفته‌اند و می‌گویند شهر مکه را از آن جهت مکه نامیده‌اند که یا به جهت کمبود آب در آن بیم هلاکت می‌رود، یا به دلیل آنکه هر کسی در آنجا ظلمی کرده و بر آن اصرار ورزد، دچار هلاکت می‌شود (ابن درید، ۱۹۸۸: ۱/۱۶۶). در اصطلاح علوم قرآنی بر اساس نظریه مشهور فریقین، آیات یا سوره‌هایی که پیش از هجرت بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شده‌اند، مکی نامیده شده است. از این‌رو، آیات و سوره‌هایی که پس از خروج از مکه و پیش از ورود به مدینه، در راه بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شده‌اند مکی به شمار می‌رود (سیوطی، ۱۳۸۹: ۱/۴۶؛ زرقانی، بی تا: ۱/۱۶۶؛ معرفت، ۱۴۱۵: ۱/۱۳۰).

۲. مدنی

این کلمه از ریشه «م د ن» گرفته شده، به معنای جایی که اقامت در آن با نظم و قانون همراه باشد (ابن درید، همان: ۲/ ۶۸۳). مدینه به صورت عام به معنای «شهر» و به صورت «خاص» نام شهر رسول خدا ﷺ یعنی همان «یثرب» است (فراهیدی، بی تا: ۸/ ۵۳). در اصطلاح بر اساس نظریه مشهور فریقین، آیات یا سوره‌هایی که پس از هجرت پیامبر اکرم ﷺ نازل شده‌اند، خواه در مدینه نازل شده باشد، خواه در سفرها و حتی در مکه، در سفر حج یا عمره یا پس از فتح مکه، مدنی محسوب می‌شود (سیوطی، همان؛ زرقانی، همان؛ معرفت، همان).

۳. هجرت

«هجرت» در لغت به معنای ترک وطن و کوچ کردن از محلی به محل دیگر است (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷: ۵/ ۲۴۴). در کاربرد قرآنی، یعنی کوچ کردن از موطن خود که دارالکفر بوده به جایگاه امنی که دینداری در آن میسر باشد (زبیدی، بی تا: ۷/ ۶۰۷).

۴. بقره

این واژه از ماده «بقر» اسم جنس و به معنای گاو است، مفردش «بقره» هم به گاو نر و هم به گاو ماده اطلاق می‌شود. به نظر برخی تاء آن برای وحدت است، نه برای تأنیث (جوهری، بی تا: ۲/ ۵۹۴)، لیکن برخی دیگر تاء آن را برای تأنیث دانسته و بقره را گاو ماده و «ثور» را گاو نر در نظر گرفته‌اند و جمع آن «باقر، بقیر، بیقور» به معنای شکافنده است (راغب اصفهانی، بی تا: ۱/ ۱۳۸).

۵. مطفین

از ماده «تطفیف» و در اصل از «طف» گرفته شده که به معنای کناره‌های هر چیز است و سرزمین کربلا را وادی طف می‌گویند چون در ساحل فرات واقع شده است (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷: ۳/ ۱۲۹). همچنین به معنای «دنا» یعنی نزدیک شدن است. پس به پیمان‌های که پر نباشد یعنی محتوایش به کناره‌های آن رسیده یا نزدیک

به پر شدن باشد، واژه «طفیف» اطلاق می‌شود. این واژه در معنای کم‌فروشی به هر شکل و صورتی به کار می‌رود (ابن درید، همان: ۱/ ۱۴۹).

۶. ترتیب نزول

«ترتیب» از ماده «رَتَبَ» به معنای ثبت است که حرکت ندارد، و قرار دادن هر چیزی در مرتبه و محل خودش است. (ابن منظور، بی تا: ۱/ ۴۰۹) و «نزول» در اصل به معنای افتادن از بلندی است (راغب اصفهانی، همان: ۱/ ۷۹۹) و یا آمدن چیزی از بالا به پایین است، خواه امر مادی باشد خواه معنوی چون، نزول باران، مهمان،... و همچنین آیه و کتاب نیز از مصادیق این معناست (ابن فارس، بی تا: ۵/ ۴۱۷؛ مصطفوی، بی تا: ۱۲/ ۸۷). «ترتیب نزول» در اصطلاح برخی پژوهشگران قرآنی، تربیت آیات و سور قرآن، از اولین آیات تا آخرین آیات است (شاکر، ۱۳۸۸: ۱۱۳).

بررسی ملاک و قلمرو آیات مکی و مدنی

بررسی و شناخت سوره‌های مکی و مدنی لزوماً شناخت قرآن و دستیابی به تفسیر درست آن را به دنبال دارد. از آنجا که فهم ظریف و اشارات آیات، رابطه تنگاتنگی با مخاطبان، مکان و زمان نزول آیه‌ها دارد، بنابراین، شناخت آیات مکی و مدنی برای هر مفسری یک امر ضروری است.

از این رو، برای شناسایی سوره‌ها و آیات مکی و مدنی، معیارهایی ارائه شده، که اغلب آن‌ها خطابی، مکانی و زمانی است، معیارهای خطابی و مکانی از لحاظ علمی دارای معایب و نواقص بسیاری است، لیکن معیار زمانی علی‌رغم جرح و تعدیل‌هایی که شده، قابل پذیرش است (زرقانی، بی تا: ۱۸۷؛ معرفت، ۱۴۱۵: ۱/ ۱۳۲؛ حجتی، ۱۳۷۴: ۷۵؛ صبحی صالح، ۱۳۹۰: ۲۵۶).

در هر صورت، معیار زمان را نمی‌توان معیار نهایی و قاطع در حل مسئله مکی و مدنی دانست، چرا که مهم‌ترین سؤالی که در این معیار باقی می‌ماند این است: از چه راهی می‌توان فهمید که کدام آیه و یا سوره پس از هجرت نازل شده و کدام پیش از آن؟

برای شناخت مکی - مدنی از سوی پژوهشگران قرآنی چندین نظریه مطرح شده است:

۱. روش سماعی (استناد به نص و خبر): در این روش فریقین هر کدام با توجه به معیارهای خویش اخبار، روایات معتبری را گزارش کرده‌اند (المامقانی، ۱۴۲۸: ۱/۵۲؛ سیوطی، ۱۴۰۹: ۲۳)(۱).

۲. روش قیاسی (اجتهادی-عقلی): در این روش پژوهشگر از دو دسته علایم ظاهری و محتوایی بهره می‌برد (زرکشی، بی تا: ۱/ ۲۷۶؛ سیوطی، همان: ۱/ ۷۲؛ معرفت، همان: ۱۳۲). به گزارش علقمه بن قیس (متوفای ۶۲) از عبدالله بن مسعود: هر سوره‌ای که در آن «یا ایها الناس» آمده باشد یا لفظ «کَلَّا» در آن به کار رفته باشد و... مکی است و هر سوره‌ای در آن تفصیل احکام و بیان شریعت اسلام ذکر شده باشد و خطابات آن با عنوان «یا ایها الذین آمنوا» باشد، مدنی است (سیوطی، همان: ۱/ ۷۱؛ معرفت، ۱۳۹۰: ۵۰؛ زرقانی، همان: ۱۸۸).

علاوه بر آن، در تعیین مکی - مدنی بودن آیات باید به تدبّر در آن‌ها پرداخت و به قرائن، نشانه‌ها و محتوای آیه‌ها اعتماد نمود، و شاید مهم‌ترین راه شناخت مکی از مدنی توجه جدی به «سیاق» آیات باشد (طباطبایی، ۱۳۵۰: ۱۸۷؛ آلوسی، ۱۳۷۰: ۳۰۰).

از نظر قرآن‌پژوهان فریقین سوره‌ها به لحاظ مکی - مدنی بودن آیات به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱. گاه همه سوره مکی است، چون مدثر. ۲. گاه همه سوره مدنی است، چون آل عمران. ۳. زمانی همه سوره مکی شمرده شده، لیکن در آن مواردی از آیات مدنی به چشم می‌خورد، چون سوره اعراف. ۴. دسته چهارم سوره‌های مدنی است که آیات مکی در آن مشاهده می‌شود، چون سوره حج (زرقانی، بی تا: ۱/ ۱۹۰؛ رامیار، ۱۳۸۰: ۶۱۳). برخی از بزرگان فن اعتقاد دارند که ملاک ترتیب سوره‌ها، نظر به ابتدای هر سوره بوده است، چون سوره علق (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰/ ۶۱۲؛ معرفت، ۱۳۹۰: ۵۶) بر این اساس طبق نظریه برخی از پژوهشگران معاصر، تعیین مکی -

مدنی سوره‌ها یا با ملاک اکثریت آیات، یا به پیروی از آغاز سوره‌ها است (زرقانی، همان). نظریه دیگری نیز هست که هیچ آیه مدنی در سوره‌های مکی و هیچ آیه مکی در سوره‌های مدنی وجود ندارد (عبدالرزاق، ۱۹۹۹: ۲/ ۵۰۷؛ معرفت، ۱۴۱۵: ۱/ ۱۳۹).

بدیهی است که در شناخت مکی - مدنی بودن آیات و سوره‌ها، صرف وجود علائم یاد شده نمی‌تواند دلیل قطعی تلقی شود، بلکه با وجود اجتماع چندین خصیصه اگر نص و روایت معارضی در میان نباشد، قابل اعتماد بوده و می‌تواند کاربرد فقهی، تاریخی و غیره داشته باشد (معرفت، ۱۳۸۰: ۸۴).

از این رو، تشخیص روش‌های سماعی، قیاسی و ضرورت شناخت اوضاع اعتقادی، دینی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و حکومتی شهرهای مکه و مدینه در عصر نزول، ما را بر لزوم درک عمیق و تشخیص سوره‌های مکی، مدنی رهنمون می‌سازد تا زمینه‌های نزول سوره‌های مکی - مدنی در هریک از این دو مکان تبیین گردد. بدیهی است که شناسایی مکی - مدنی آیات و سوره‌ها، ما را در شناخت آیات و سوره‌های سال اول هجرت یاری می‌کند.

معیار شناخت مکی، مدنی در احادیث فریقین

اکنون چند نمونه از احادیثی را که مکی - مدنی را در شماری از سوره‌ها مشخص کرده، می‌آوریم سپس موارد اختلاف و اشتراک آن‌ها را با روایاتی از صحابه و تابعان در ترتیب نزول سوره‌ها بررسی می‌کنیم که شاید روزنه‌ای از نزول نخستین سوره در سال اول هجری به روی ما باز شود.

۱. محمد بن سالم از امام باقر A حدیثی نقل نموده که در آن معیارهایی از سوره‌های مکی و مدنی گزارش شده است: خدای متعال در سوره‌های مکی تنها درباره شرک و کفر و عده عذاب داده است، اما در غیر آن دعوت به انجام کارهای نیک و بازداشتن از انجام اعمال ناشایست اکتفا کرده است، چون سوره مکی اسراء، آیات (۳۲-۳۱ و ۳۹) و در ادامه امام A می‌فرماید: آن هنگامی که خداوند به پیامبر اسلام S اجازه داد از مکه به مدینه هجرت کند، اسلام بر پنج پایه استوار گردید: ۱. شهادت

به یکتای خدا و این که محمد ﷺ بنده و رسول اوست. ۲. به یادداشتن نماز. ۳. پرداخت زکات. ۴. حج. ۵. روزه ماه مبارک رمضان. در مدینه [آیاتی] چون حدود و تقسیم ارث را بر او نازل فرمود و از گناهایی که ارتکاب آن موجب آتش دوزخ است خبر داد، مثل سوره نساء آیات (۹۳ و ۱۰)، ... راجع به پیمانۀ «ویل للمطففین» را نازل فرمود، ... در این حدیث نه تنها به برخی از ملاک‌های مکی و مدنی اشاره شده، بلکه برخی از سوره‌ها و آیات مکی - مدنی نیز ذکر شده است (۲) (کلینی، اصول کافی ۱۳۷۹: ۳/ ۵۵).

۲. زرارۀ به گزارش از امام محمد باقر × می‌گوید: همانا شمشیرها کشیده نشد و صفوف جنگ و نماز [جماعت] برپا نگردید و اذان آشکارا گفته نشد و خداوند «یا ایها الذین آمنوا» را نازل نکرد، تا آنکه اهالی قبایل اوس و خزرج به اسلام گرویدند (۳) (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹/ ۱۹۵).

۳. ابو‌عبدالرحمان سلمی در گزارش جریانی می‌گوید: روزی حضرت علی A با یکی از قاضیان کوفه روبه‌رو شد، از او پرسید: آیا ناسخ را از منسوخ می‌شناسی؟ آن قاضی گفت: خیر! آنگاه حضرت فرمود: در این صورت هم خود را نابود کرده‌ای و هم دیگران را چرا که هر حرفی از قرآن دارای جوهی است (۴) [حدیث مزبور را اغلب دانشمندان اسلامی از فریقین، در بحث «ناسخ و منسوخ» با تفاوت‌هایی در متن، از نظر، کیفیت و کمیت ذکر کرده‌اند] (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/ ۱۲؛ ابو‌عبید، ۱۴۱۸: ۴).

مقصود امام A این است که چه فقیه در مقام فتوی و چه قاضی به هنگام صدور حکم باید، هوشیار باشند تا مبدا آیات منسوخه را مورد فتوی یا قضاوت قرار دهند (معرفت، همان: ۲۴۹).

بررسی گزارش‌های حدیثی، نزول نخستین سوره مدنی

از مطالعه تطبیقی احادیثی که مکی - مدنی بودن را در شماری از سوره‌ها مشخص کرده، با روایات و جداولی که صحابه و تابعان، درباره ترتیب نزول سوره‌ها در

منابع تاریخی، قرآنی و تفسیری فریقین، به تصویر کشیده شده، می‌توان به تفاوت‌ها و نشانه‌های مجموع دو نوع روایت نسبت به سوره و آیات سال اول هجری پی‌برد. ما اینک با نقد و بررسی ادله موافق و مخالف، گزارش‌های حدیثی مذکور را می‌آوریم.

۱. شیخ ابوسهل در روایتی به سند از ابوظلحه تمیمی از محبر بن محمد از ابویعقوب بن علی، روایتی را از ابوالفضل جعفر بن ابی‌طالب قرشی روایتی از سلیمان مکی از حمادجدعان از سعید بن مسیب از علی بن ابی‌طالب A گزارش کرده که حضرت از پیامبر اکرم ﷺ درباره ثواب سوره‌های قرآن سؤال نموده و رسول اکرم ﷺ در پاسخ وی سوره‌های قرآن را به ترتیب نزول ذکر کرده‌اند که در آن نخستین سوره مدنی، بقره گزارش شده است (جفری، ۱۳۷۵: ۱۵؛ طبرسی، همان: ۱۰ / ۶۱۲؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۲۷۸).

۲. ابن ضریس از محمد رازی [به سند دیگر از ابونصر از ابوسهل الأتماری از محمدجوزجانی از ابراهیم بن یوسف] از عمر بن هارون از عثمان بن عطا از پدرش از ابن عباس در ترتیب سوره‌های مکی - مدنی، اولین سوره را بقره معرفی کرده است (جفری، همان: ۸؛ شهرستانی، ۱۳۸۶: ۱ / ۲۹؛ سیوطی، همان: ۱ / ۴۵؛ حسکانی، ۱۴۲۷: ۲ / ۴۷۶-۴۸۰).

۳. در گزارشی ترتیب نزول چهار سوره نخستین مکی، از زهری، از محمد بشیر و بقیه سوره‌های مکی از طریق مجاهد و سوره‌های مدنی به سند ابن جریج، از عطا، از ابن عباس، به ترتیب: بقره، آل عمران، ... آورده شده است (ابن ندیم، بی‌تا: ۲۸).

۴. علی‌عبدان، از احمد صفار [به سند دیگر علی بن أحمد، از احمد بن عبید] روایتی را از محمد جابر از اسماعیل رقی، از عبدالعزیز قرشی، از مجاهد، از ابن عباس، در ترتیبی از سوره‌های مکی - مدنی، آغازین سوره مدنی را بقره قرار داده است (بیهقی، ۱۴۲۳: ۷ / ۱۴۲؛ حسکانی، همان).

۵. در روایتی به سند سید مهدی حسینی قاینی به گزارش از عبیدالله حسکانی، از ابونصر، از عمویش ابوحامد، از ابویوسف مقری، از محمد سلمی، از زید بن موسی،

از عمرو بن هارون از عثمان بن عطاء از ابن عباس، ترتیبی از سوره‌های مکی - مدنی گزارش شده که نخستین سوره مدنی را بقره قرار داده است (طبرسی، همان؛ شهرستانی، همان: ۱/ ۳۰؛ حسکانی، همان؛ کاشانی، همان: ۲۷۷).

۶. ابوبکر محمد ایض، از ابوالعباس بغدادی، از حسان کرمانی، از امیه الازدی، از جابر بن زید، ترتیبی از سوره‌های مکی و مدنی را به تصویر کشیده که در آن سوره بقره، نخستین سوره مدنی است و جعبری بر این روایت اعتماد کرده و قصیده‌ای در این باره سروده و در آن سوره بقره را آغازین سوره مدنی دانسته است (سیوطی، همان: ۱/ ۱۰۰).

جدول شماره ۱

شماره	نام کتاب	ارائه سند	نخستین سوره مدنی
۱	المقدمتان	سعید بن مسیب از امام علی A	بقره
۲	المقدمتان	عطا از ابن عباس	بقره
۳	الفهرست	عطا از ابن عباس	بقره
۴	دلائل النبوة	مجاهد از ابن عباس	بقره
۵	مجمع البیان	عطا از ابن عباس	بقره
۶	الاتقان	جابر بن زید	بقره

لیکن این گزارش‌های خبری مورد اشکال است، به دلیل روایات نقضی که به شرح ذیل گزارش شده است:

۱. احمد بن ابی یعقوب، از ابوصالح، از ابن عباس روایتی را ارائه کرده و در آن نخستین سوره مدنی را مطففین قرار داده است (یعقوبی، ۱۴۳۱: ۲/ ۳۴).

۲. عبدالله سلیم با سند خویش، از صالح ترمذی، از محمد کلیبی، از ابی صالح، از ابن عباس ترتیبی از سوره‌های مکی - مدنی گزارش کرد و در آن نخستین سوره مدنی را مطففین قرار داده است (جفری، همان: ۸؛ حسکانی، همان).

۳. ابو عبدالله حافظ به گزارش از ابو محمد عدل، از محمد بن اسحق، روایتی را از یعقوب دورقی، از احمد خزاعی، از علی واقد، از پدرش حسین واقد، از یزید نحوی، از عکرمه و حسن بصری گزارش می‌کند که در آن، آغازین سوره مدنی را مظفین قرار داده است (بیهقی، همان؛ حسکانی، همان؛ سیوطی، همان: ۵۰؛ کاشانی، همان: ۲۷۷).

۴. ابواسحاق مقری در روایتی از علی بن الحسین A، نخستین سوره مدنی را مظفین معرفی کرده است (واحدی نیشابوری، ۱۶: ۱۴۱).

جدول شماره ۲

شماره	نام کتاب	ارائه سند	نخستین سوره مدنی
۱	تاریخ یعقوبی	ابوصالح از ابن عباس	مظفین
۲	المقدمتان	ابی صالح از ابن عباس	مظفین
۳	دلایل النبوة	عکرمه و حسن بصری	مظفین
۴	اسباب النزول	ابواسحاق از امام سجاد A	مظفین

اکنون با شناخت اجمالی ملاک‌های مکی - مدنی و گزارش‌های حدیثی به دست آمده از منابع فریقین، به نقد و بررسی نظریه نزول نخستین سوره مدنی می‌پردازیم.

نظریه مدنیّت، سوره بقره و نقد و بررسی ادله آن

۱. از شواهد و مدارک به دست آمده از منابع فریقین معلوم می‌شود که اکثر آن‌ها سوره بقره را نخستین سوره مدنی معرفی کرده‌اند (جدول شماره ۱). لیکن برخی از روایات تفسیری و گزارش‌های خبری ارائه شده ناقص ترتیب نزول سوره‌ها به ترتیب کنونی می‌باشد (جدول شماره ۲) علاوه بر آن، یکی از مفسران معاصر، با آوردن دلایل محکمی، روایات ارائه شده در رابطه با ترتیب نزول سوره‌ها را قابل اعتماد ندانسته و تنها راه برای تشخیص سوره‌ها (مکی - مدنی بودن سور) را تدبّر در مضامین آن و تطبیق آن‌ها با اوضاع و احوال و فضای فرهنگی، اجتماعی شهرهای مکه و مدینه پیش از هجرت و پس از آن می‌داند (طباطبایی، همان: ۱۷۰)

۲. معیارها و ملاک‌هایی که از سوی ائمه اطهار Δ (حدیث شماره ۲) و مفسران و پژوهشگران قرآنی فریقین ارائه شده است، نزول سوره بقره را در سال اول هجری تأیید می‌کند. معیارهای ظاهری، چون طولانی بودن سوره و آیات آن و وجود خطاب‌های «یا ایها الذین آمنوا» و مضامینی چون مسلمانان انصار، مسلمانان مهاجر، یهودیان، مشرکان، منافقان و موارد دیگر، همه بر حوادث و مناسبت‌های سال اول هجری منطبق است و زمینه ساز نزول آیاتی درباره گروه‌های مزبور و اوصاف آنها می‌باشد. همچنین استقرار نظام اسلامی در مدینه و استقبال مردم از آن، زمینه مناسب برای تشریح احکام فقهی را به وجود آورد و موجب نزول آیات فراوانی درباره احکام فرعی شد (سید قطب، ۱۳۸۷: ۱/ ۴۱؛ جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۲/ ۳۹). از این رو، اکثر پژوهشگران قرآنی، حدیثی فریقین معتقدند، به جز آیه ۲۸۱ سوره بقره «وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» که در منی در حجه الوداع نازل شد، بقیه سوره در مدینه منوره نازل شده است (طبری، ۱۴۱۲: ۱/ ۷۵؛ نسائی، ۱۴۱۰: ۱/ ۲۹۰؛ بغدادی، ۱۴۱۵: ۱/ ۲۲؛ طبرسی، همان: ۱/ ۱۱۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۱/ ۳۶۹؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۱/ ۵۶۰؛ طباطبایی، بی تا: ۲/ ۴۲۷).

لیکن در نقض این نظریه باید گفت: چه بسیار سوره‌های بلندی که در مکه نازل شده است، چون سوره‌های (انعام ۱۶۵؛ اعراف: ۲۰۶) و... و بسیاری از سوره‌های کوچک و با آیات کوتاه، چون سوره‌های نصر، زلزله و... که در مدینه نزول یافته است (معرفت، ۱۳۹۰: ۵۴؛ زرقانی، همان: ۱/ ۲۰۹). مضامینی چون تغییر قبله، وجوب روزه و... شامل حوادث و مناسبت‌های سال اول هجری نمی‌باشد (طبرسی، ۱۴۱۷: ۱/ ۱۶۲؛ ابن عاشور، بی تا: ۱/ ۲۰۱). به اعتقاد شماری از پژوهشگران فریقین، زمان شروع نزول سوره بقره به درستی روش نیست (ابن عاشور، همان؛ طباطبایی، همان: ۱/ ۴۴؛ بروجردی، ۱۳۶۶: ۱/ ۱۰۲). بر اساس روایتی از عایشه، سوره بقره زمانی نازل شد که وی جزء همسران پیامبر ﷺ بوده است (ابن عاشور، همان؛ صالح، همان: ۲۷۱). طبق گزارش برخی از مورخان فریقین، رسول خدا ﷺ در سال دوم هجری، عایشه را به همسری اختیار کردند (طبری، بی تا: ۲/ ۴۰۰؛ ابن اثیر جزری، بی تا: ۷/ ۱۲۴).

بنابراین، گروهی نزول سوره بقره را چند ماه پس از هجرت پیامبر ﷺ (طباطبایی، همان) و نیز به تدریج در زمان‌های پراکنده می‌دانند (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱/۱۵۲). برخی دیگر آغاز نزول سوره بقره را در سال هشتم بعثت در نظر گرفته‌اند، که در طی پنج مرحله و در سال‌های متفاوت نزول یافته است (پورحسن، ۱۳۸۳: ۴۱).

نظریه نزول سوره مطفین در سال اول هجری و نقد و بررسی ادله آن

۱. برخی روایات و اخبار گزارش شده از صحابه و تابعان (به گزارش از حسن بصری، عکرمة، ضحاک و یعقوبی) نخستین سوره مدنی را سوره مطفین در نظر گرفته‌اند. لیکن اسناد و مدارک به دست آمده از شمار کثیری از صحابه و تابعان (به گزارش از عطا، مجاهد، سعید بن مسیب و جابر بن زید) این نظریه را نقض می‌کند.

موافقت عالمان فریقین با آغازین سوره مدنی بودن مطفین و نیز روایات و شواهدی نیز آن را تأکید می‌نماید.

الف) روایت ابی‌الجارود، از ابی‌جعفر (به سند دیگر عکرمة، از ابن عباس) نشان می‌دهد که پیامبر اکرم ﷺ وقتی وارد مدینه شدند، کسبه آن شهر از جهت وزن و پیمانۀ سخت آلوده به کم‌فروشی بودند، هنگامی که خداوند سوره مطفین را نازل کرد، آن‌ها پذیرفتند و خود را اصلاح کردند (قمی، ۱۳۶۳: ۲/۴۱۰؛ نسائی، همان: ۲/۵۰۲؛ واحدی نیشابوری، همان: ۲۳۹؛ سیوطی، همان: ۶/۳۲۴؛ بحرانی، همان: ۴/۴۳۷؛ طبرسی، همان: ۱۰/۶۸۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۵/۲۹۸؛ عروسی‌حویزی، ۱۴۱۵: ۵/۵۲۷؛ طباطبایی، همان: ۲۰/۲۳۵).

ب) روایت سدی: چون پیامبر اکرم ﷺ وارد مدینه شدند، مردی به نام ابوجهینه دو پیمانۀ داشت، با یکی برای خود تمام و کمال پیمانۀ می‌کرد و با دیگری که کمتر و کوچک‌تر بود اجناس مردم را با آن وزن می‌کرد، که به همین مناسبت آیات مطفین نازل شد (طبری، همان: ۵۸؛ سیوطی، همان؛ طبرسی، همان؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸: ۲۰/۱۸۱).

۲. دلایلی که به موجب آن، اکثر پژوهشگران قرآنی سورهٔ مطففین را مکی تلقی کرده‌اند، لحن شدید سوره، با استفاده از آیات کوتاه و پرتیننی است که از روز رستاخیز و حوادث مشاهده هولاناک قیامت خبر می‌دهد و وجود لفظ «کلاً» است، که از علایم ظاهری سوره‌های مکی به‌شمار می‌رود.

لیکن بدیهی است که ویژگی وعید و تهدید تنها ویژه سوره‌های مکی نیست، بلکه در بسیاری از سوره‌های مدنی نیز متناسب با مخاطبان خود، لحن شدید و تهدیدآمیز فراوانی به‌کار رفته است، چون سوره براءت (معرفت، همان: ۵۳؛ زرقانی، همان: ۱۹۵). به علاوه طبق فرمایش امام باقر A (به حدیث شماره ۱) وعدهٔ عذاب دادن نسبت به گناهان غیر شرک و کفر، در آیات هرسوره، نشانهٔ مدنی بودن آن سوره است، از این‌رو، گرچه در سورهٔ مطففین لحن شدید و تهدیدآمیز به‌کار رفته که شباهت زیادی به سوره‌های مکی دارد، لیکن به دنبال آن خبر از روز رستاخیز و وعده عذاب آمده، که نشانه مدنی بودن سوره است.

۳. شماری از تفسیرپژوهان فریقین، با استناد به برخی از آیات سورهٔ مطففین، مکی-مدنی بودن آن را ادعا کرده‌اند:

الف) باتوجه به آیات نخستین سورهٔ مطففین، از آنجا که «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ» به صورت جمع و با «ال» جنس آمده است، اطلاق دارد و شامل همهٔ کسانی می‌شود که حق دیگران را زایل می‌کنند، پس آیه می‌تواند مصادیق گوناگونی را دربر داشته باشد (سید قطب، همان: ۶ / ۷۷۵؛ آلوسی، ۱۵: ۱۴۱۵ / ۲۷۴؛ مکارم شیرازی، ۲۶: ۱۳۷۴ / ۲۷۳؛ مطهری، ۱۲: ۱۳۸۶ / ۱۳۶). از این‌رو، «تطفیف» اختصاص به شهر مدینه ندارد، بلکه هر فردی را که «کم‌فروشی» دارد شامل می‌شود و این نمی‌تواند مؤیدی بر مدنی بودن سورهٔ مطففین باشد (مراغی، بی‌تا: ۳۰ / ۷۲).

همچنین در آیه «وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ» کلمهٔ «لِّلْمُكَذِّبِينَ» به صورت جمع آمده و با «ال» جنس همراه است و بر عموم دلالت دارد، یعنی تمامی کسانی که حقی را تکذیب می‌کنند، مورد تهدید قرار می‌دهد، و آیه بعد از آن «الَّذِينَ يَكْذِبُونَ بَيِّمٍ

الدِّينِ» در وصف مکذبان است (سید قطب، همان: ۶/ ۷۸۰؛ مراغی، همان: ۳۰/ ۷۶؛ مکارم شیرازی، همان: ۲۵۸).

لیکن برخی از مفسران با استناد به آیه «الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بَيَّومِ الدِّينِ» آیه قبل آن را «وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ» تفسیر کرده‌اند؛ آنان تکذیب را به معنای عام نمی‌دانند، بلکه مراد از آن را تکذیب قولی و به زبان صریح در نظر گرفته‌اند، نه تکذیب عملی. از این‌رو، مذمتی که در آیه شریفه به آن اشاره شده است، تنها شامل کفار است و فاسقان از اهل ایمان را شامل نمی‌شود. در نتیجه منظور از «مطففین» همه کم‌فروشان نیستند، بلکه مراد کفار کم‌فروش‌اند که در مدینه زندگی می‌کردند (طباطبایی، همان: ۲۰/ ۲۳۳).

ب) از آیات دیگری که در این سوره جای بحث و بررسی دارد، آیه «إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ» است بر اساس روایاتی از صحابه و تابعان، شماری از آنان سبب نزول آیه مزبور را استهزای بنی‌امیه نسبت به امام علی (ع) گزارش کرده‌اند، و گروهی دیگر، مقصود از «إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا» را ابوجهل، ولید بن مغیره، عاص بن وائل و دیگر مشرکان قریش و مؤمنان مورد استهزا را اصحاب پیامبر (ع) (عمار، بلال و...) در دوران مکه دانسته‌اند. از این‌رو، طبق نظر شماری از مفسران فریقین، با توجه به اینکه در این آیه، برای دو کلمه «مجرمان و مؤمنان» لفظ جمع به کار رفته است، می‌توان مصادیق بسیاری برای آن‌ها در نظر گرفت (طبرسی، همان: ۱۰/ ۶۹۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/ ۷۲۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۱/ ۹۴؛ فیض کاشانی، همان: ۵/ ۲۳۵). لیکن باید گفت: برخی از مفسران «الَّذِينَ أَجْرَمُوا» را منافقان مدینه و «الَّذِينَ آمَنُوا» را امیرالمؤمنین (ع) در نظر گرفته‌اند، و با این فرض سبب نزول این آیات را در مدینه می‌دانند (حسکانی، همان: ۲/ ۴۲۷؛ طباطبایی، همان: ۲۰/ ۲۳۷؛ آلوسی، همان: ۱۵/ ۲۸۳؛ زمخشری، همان: ۴/ ۷۲۴).

۴. گروهی از پژوهشگران قرآنی فریقین به دلیل ارتباط و تناسب میان سوره‌ها، سوره مطففین را مکی در نظر گرفته‌اند (فخر رازی، ۳۱/ ۸۲؛ البقاعی، ۱۴۳۲: ۸/ ۳۵۴).

پاسخ این است که شواهد و مدارک بسیاری در منابع فریقین وجود دارد که ترتیب حاضر را برخلاف ترتیب نزول سوره‌ها می‌داند. از این‌رو، بر توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها اشکال وارد است و علاوه بر این تلاش برای اثبات نظریه ارتباط و تناسب میان سوره‌ها، تلاش تکلف‌آمیز، بیهوده و بی‌ثمر خواهد بود (مولائی‌نیا، ۱۳۷۳).

بنابراین؛ با توجه به شواهد و مدارک به دست آمده از دو سوره، بعید نیست برخی از آیات سوره مطففین در مدینه و برخی در مکه نازل شده باشد، همان‌طور که گروهی از تف‌سیرپژوهان فریقین نگاشته‌اند (بغدادی، همان: ۴/ ۴۰۳؛ قرطبی، همان؛ آلوسی، همان). از این‌رو، نزول سوره بقره در سال اول هجرت و ادامه آن به تدریج در سال‌های دیگر و همچنین نزول سوره مطففین در سال آخر بعثت و ظهور مصادیق آن در سال اول هجرت، هر کدام مؤید این مسئله است.

نتیجه‌گیری

۱. اکثر پژوهشگران قرآنی، ملاک زمان را بهترین روش برای تشخیص سوره‌های مکی - مدنی در نظر گرفته‌اند. بنابراین، طبق اخبار و احایث متعددی که از ائمه معصوم^{علیهم‌السلام}، صحابه و تابعان رسیده است، برخی زمان نزول سوره مطففین را ورود پیامبر اکرم^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} به مدینه و برخی دیگر، زمان نزول آن را بین مکه و مدینه گزارش کرده‌اند (قرطبی، همان: ۱۹/ ۲۵۰؛ آلوسی، همان: ۱۵/ ۲۷۳). لیکن نزول سوره بقره طبق اکثر شواهد و مدارک به دست آمده در سال اول هجرت گزارش شده است.

۲. با توجه به ملاک‌های ظاهری و محتوایی چون، لحن شدید سوره مطففین و وجود لفظ «کَلَّا» و سه بار تکرار آن با شرایط سال اول هجرت و استقبال مردم مدینه از پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} سازگار نیست. از این‌رو، سوره مطففین ملاک‌های ظاهری و محتوایی سوره‌های مدنی را ندارد، لیکن سوره بقره اکثر آن ملاک‌ها را دارد.

۳. آنچه از معیارهای مکی - مدنی بودن آیات به دست آمده این است: اگر آیات نخستین سوره‌ای قبل از هجرت نازل شده باشد، سوره مکی و اگر آن آیات بعد از هجرت نازل شده باشد، مدنی است. همچنین بنابر نظریه دیگری چنانچه اکثر آیات سوره‌ای مکی باشد، آن سوره مکی است و بالعکس، هر چند آیات نخستین سوره

مطابقت با «اقل» داشته باشد. از این رو، طبق نظر اکثر علمای فریقین، سوره بقره ۲۸۶ آیه و سوره مطففین ۳۶ آیه دارد که آیات ابتدایی و نیز اکثر آیات این دو سوره از نظر سیاق، مدنی است (سیوطی، همان: ۶/۳۲۵؛ بغدادی، همان: ۴/۴۰۳؛ طبرسی، همان: ۲۰/۶۸۵؛ طباطبایی، همان: ۲۰/۲۲۹). بنابراین، بررسی سیاق آیات دو سوره بقره و مطففین، دلالت بر مدنی بودن آن دو دارند.

۴. اکثر روایات و جداول ترتیب نزول، سوره بقره را نخستین سوره مدنی و سوره مطففین را در شمار سوره‌های مکی به تصویر کشیده‌اند، لیکن قرائن و شواهدی که در معیارهای مکی - مدنی بودن از احادیث امام باقر A بدست آمده و روایاتی که از امام سجاد و امام باقر X گزارش شده است، بر مدنی بودن سوره مطففین تصریح دارد. بنابراین، سوره مطففین طبق دیدگاه حدیثی نخستین سوره مدنی است.

۵. شناخت ناسخ و منسوخ که در کلام امام علی A به آن توجه شده است، مبتنی بر آگاهی از ترتیب تاریخ نزول سوره‌ها و شناخت آیات مکی - مدنی بودن آن‌هاست، زیرا آیات منسوخ از حیث زمان نزول، مقدم بر آیات ناسخ است (زرقانی، همان: ۲/۷۳؛ مولائی نیا، ۱۳۷۸: ۱۴۲؛ رامیار، همان: ۶۰۳). از این رو، بیشتر صاحب نظران علوم قرآنی شناسایی آیات ناسخ و منسوخ را از فواید مهم شناخت مکی - مدنی ذکر کرده‌اند (سیوطی، ۱۳۸۹: ۱/۴۵) و نحوه تشریح تدریجی قوانین و احکام اسلامی را با توجه به نص آیات و چگونگی نزول آن‌ها در نظر گرفته‌اند (زرقانی، همان: ۱/۱۸۸؛ معرفت، ۱۴۱۵: ۲/۲۶۹). طبق شروط ناسخ و منسوخ، هیچ آیه ناسخ و منسوخ در سوره مطففین گزارش نشده است (زرکشی، همان: ۲/۳۲) بنابراین، با بررسی شماری از آثار فریقین، اکثر سوره‌های مکی فاقد نظریه نسخ هستند، پس فرضیه مدنی بودن سوره مطففین قابل خدشه است. از این رو، سوره بقره نخستین سوره مدنی در نظر گرفته می‌شود.

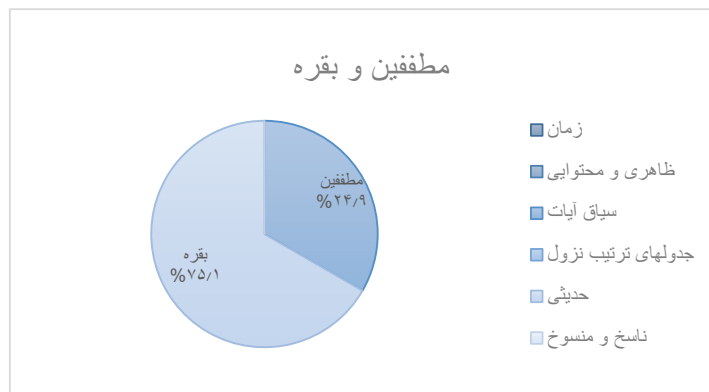
بر اساس نتایج ارائه شده جدولی به شرح ذیل به دست می‌آید:

جدول شماره ۳

ملاک	نخستین سوره مدنی	نخستین سوره مدنی
------	------------------	------------------

بقره	—	زمان
بقره	—	ظاهری و محتوایی
بقره	مطففین	سیاق آیات
بقره	—	جدول‌های ترتیب نزول
—	مطففین	حدیثی
بقره	—	ناسخ و منسوخ

نمودار شماره ۱:



پی‌نوشت‌ها

(۱). احادیث: روایات و گزارش‌های حدیثی که از معصومی نقل شده و خبر - اخبار، گزارش‌هایی که از صحابه، تابعین و ... غیر معصوم نقل شده است (سیوطی، ۱۴۰۹: ۲۳؛ مامقانی، ۱۴۲۸: ۱/ ۵۲).

(۲). «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ X قَالَ: إِنَّ [أ] نَاسًا تَكَلَّمُوا فِي هَذَا الْقُرْآنِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَقُولُ... وَ ذَلِكَ أَنَّ أَكْلَ مَالِ الْيَتِيمِ يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ النَّارُ تَلْتَهَبُ فِي بَطْنِهِ حَتَّى يَخْرُجَ لَهَبُ النَّارِ مِنْ فِيهِ حَتَّى يَعْرِفَهُ كُلُّ أَهْلِ الْجَمْعِ أَنَّهُ أَكَلَ مَالِ الْيَتِيمِ وَ أَنْزَلَ فِي الْكَيْلِ وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ...» (کلینی، بی تا: ۲۹/۲-۳۳).

(۳). رُوی زرارۀ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ X أَنَّهُ قَالَ مَا سَلَتِ السُّيُوفُ وَ لَا أُقِيمَتِ الصُّفُوفُ فِي صَلَاةٍ وَ لَا زُحُوفٍ وَ لَا جَهْرٍ بِأَذَانٍ وَ لَا أَنْزَلَ اللَّهُ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» حَتَّى أَسْلَمَ أَبْنَاءُ قَبِيلَةِ الْأَوْسِ وَ الْخَزْرَجِ (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۹۵/۹).

(۴). عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَسْلَمِيِّ أَنَّ عَلِيًّا X مَرَّ عَلَى قَاضٍ - فَقَالَ: هَلْ تَعْرِفُ النَّاسِخَ مِنَ الْمَنْسُوخِ فَقَالَ لَا فَقَالَ: هَلِكْتَ وَ أَهْلَكْتَ، تَأْوِيلُ كُلِّ حَرْفٍ مِنَ الْقُرْآنِ عَلَى وَجْهِهِ. (این حدیث با همه طرق آن در کتاب نسخ در قرآن منعکس شده است)

کتابنامه

قرآن کریم.

آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵.

ابن درید، محمدحسن، جمهره اللغه، بیروت، داراللملایین، چاپ اول، ۱۹۸۸.

ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، الذهائیة فی غریب الحدیث و الأثر، محقق: محمود محمدطناحی و طاهر احمدزاوی، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۷.

_____ کامل ابن اثیر، ترجمه عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت، تهران، ناشر علمی، بی تا.

ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، تحقیق: رضاتجدد، تهران، مکتبه الاسلامی، بی تا.

ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسه التاریخ، چاپ اول.

ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، محقق: هارون عبدالسلام محمد، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸.

ابوعبید، قاسم بن سلام، الناسخ و المنسوخ فی القرآن العزیز، مکتبه الرشد، ۱۴۱۸.

بروجردی، سید محمدابراهیم، تفسیر جامع، تهران، انتشارات صدر، ۱۳۶۶.

بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶.

بقاعی، برهان الدین ابراهیم بن عمر، نظم الدرر فی تناسب الایات و السور، محقق:

عبدالرزاق غالب المهدی، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ چهارم، ۱۴۳۲.

بغدادی، علاء الدین علی بن محمد، لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.

بيهقي، أبي بكر احمد بن الحسين، دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشريعة، بيروت دارالكتاب العليمه، چاپ دوم، ۱۴۲۳ق.

پورحسن، قاسم، مناسبت بين سوره و آيات، مجله پیام حاويدان، سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۳.

جعفری، ارثر، المقدمات فی علوم القرآن، (مقدمه کتاب المبانی، مقدمه ابن عطیه) بغداد، مکتبه النحانجی، ۱۳۷۵. ش

جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم، نشراسراء، چاپ اول، ۱۳۷۸.

جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، محقق: احمد بن الغفور، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ اول، بی تا.

حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالکتب العلیمه، ۱۴۱۱ق.
حسکانی، عبدالله بن احمد، شواهد التنزیل القواعد التفصیل، تحقیق: باقر محمودی، بیروت، مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، ۱۴۲۷ق، ۱۳۸۵ش.

حجتی، سید محمدباقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، بیروت، دارالقلم، چاپ اول، بی تا.
زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دارالمعرفه.

زرقانی، عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت، دارأحیاء التراث العربی، بی تا.
زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالعربی، ۱۴۰۷ق.
سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم، ۱۳۸۹.

تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق: احمد عمر هاشم، بیروت، دارالكتاب العربی، ۱۴۰۹ق.

الدر المنتور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
سید قطب، ابراهیم، فی ضلال القرآن، ترجمه دکتره صطفی خرم دل، تهران، نشر احسان، چاپ دوم، ۱۳۸۷.

شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار، تحقیق: محمدعلی آذرشب، بیروت، مرکز البحوث و الدراسات للتراث المحفوظ، چاپ اول، ۱۳۸۶.

صالح، صبحی، مباحث فی علوم القرآن، ترجمه محمدعلی لسانی فشارکی، تهران، نشر احسان، ۱۳۹۰.

طباطبایی، سید محمدحسین، قرآن در اسلام، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۰.

_____ المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات نا صرخسرو، ۱۳۷۲.

_____ اعلام الوردی باعلام الهدی، قم، آل البيت، ۱۴۱۷ق.

طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ دوم، ۱۳۶۲ش.

_____ جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲.

عبدالرزاق، حسین احمد، المکی و المدنی فی القرآن الکریم، قاهره، دارابن عفان، ۱۹۹۹م.
عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر (تفسیر العیاشی)، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ش.

عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵.

محمودی، رامیارا، تاریخ قرآن، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ پنجم، ۱۳۸۰.

مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر مراغی، بیروت، دارا احياء التراث، چاپ اول، بی تا.

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.

مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ سوم، بی تا.

مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، بنیاد علمی فرهنگی استاد مطهری، ۱۳۸۶.

معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، تهران، مؤسسه نشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.

_____ علوم قرآن، قم، مؤسسه فرهنگی تمهید، چاپ دوم، ۱۳۸۰.

مولای‌نیا، عزت‌الله، تناسب آیات و سور، قم، بنیاد معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳.

_____ نسخ در قرآن، قم، نشر رایزن، چاپ اول، ۱۳۷۸.

نسائی، احمد بن علی، تفسیر نسائی، بیروت، مؤسسه الکتب الثقافیه، ۱۴۱۰ق.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۳.

A Critical Assessment of the Opinions of the Two Branches of Faith on the First Chapter Revealed in Medina after the Prophet's Migration *

Izzatullah Maulayinia **

Reja al-Sadat Khatam Yazdi ***

Abstract

The present study seeks to examine the revelation of the first Surah (chapter) after the holy Prophet's migration to Medina with a view to the sources of the two major branches of faith. After discussing certain criteria about the Quranic chapter being either Makki (Sura revealed in Mecca) or Madani (Sura revealed in Medina) with reliance on the research works by both the major sects as well as evaluating the evidence and documents presented concerning the first Surah revealed in Medina, the writer endeavors to find out whether those documents and pieces of evidence match with the presented criteria. According to some of those criteria and narrations, Chapter Al-Baqarah and according to some others Chapter al-Mutaffifin is the first Surah after the Prophet's hegira (migration). Keeping this in view, the writer critically examines the viewpoints concerning the first Madani chapter of the Quran. Finally, according to a hadith-based approach, Chapter al-Mutaffifin is the first Madani verse whereas according to majority of Quran researchers from both the branches of faith and based on a meticulous assessment of their views, Chapter al-Baqara is the first Madani Surah .

Keywords: Makki, Madani, Baqara, Mutaffifin, sequence of revelation.

* Date of submission: 3/10/2016 Date of acceptance: 30/11/2016

** Faculty member, the University of Qom, Department of Quran and Hadith Sciences

*** Masters degree, the University of Qom, Department of Quran and Hadith Sciences